

## نوشته ای از رضا شهابی و کیوان مهدی

پیام به ما دقیق رسیده است... خفه میکنیم!» - هوشنگ گلشیری، در خاکسپاری محمد مختاری»



مرور آثار هنرمندان بزرگ، کتابی است که وضعیت اجتماعی و تحولات فکری یک جامعه در آن تجلی مییابد. داریوش مهرجویی یکی از آن هنرمندان است که در تمام دوران کار خلاقه ی خود در این گرهگاه راهگشا بوده است، به گونهای که نه بیان مسائل اجتماعی او را از مسئولیت کار خلاقه و انتقادی معاف کرده، و نه چنان غرق تجربه های هنری شده که نسبت به وضع موجود بیتفاوت باشد.

در این کارنامه پربار شاهد فیلم «دایره ی مینا» هستیم، جایی که فرودستان جامعه باید خون خود را تقدیم نظام خوناشام تبعیض و نابرابری کنند؛ همچنین همکاری دیگر او با غلامحسین ساعدی در فیلم «گاو» که یکی از مهمترین تجلیهای بیگانگی زحمتکشان در عرصه هنر به حساب میآید، و تنگناهای بقای آنها را نشان میدهد؛ «اجاره نشینها» که بیانی است پرشور و همدلانه از یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی ما یعنی حق به مسکن؛ در ادامه، «هامون»، «پری»، «لیلا» و «درخت گلابی» ضمن تأکید بر دغدغه های روشنفکرانه، فردی، و هنری در واقع مکانیسم دفاعی هنرمند در دورانی هستند که تلاش میشد از مسائل اجتماعی سیاست زدایی شود؛ سپس به «بمانی» میرسیم، به ریشه ترین مشکل زمانه ی ما یعنی تبعیض و ستم بر زنان و پیامد هولناک آن در خودسوزی این زنان که راهی جز شعله ور کردن بدن خویش برای نشان دادن این ظلم ندارند؛ «مهمان مامان» نیز به نوبه خود بیانی شاعرانه از شکاف طبقاتی ارائه میدهد؛ اما شاید امروز هیچ فیلمی در کارنامه داریوش مهرجویی به اندازه «علی سنتوری» در ذهن جوانان باقی نمانده باشد، زیرا یکی از فراگیرترین مسائل جامعه ما یعنی اعتیاد را بدون افتادن در دام کلیشه ها به تصویر میکشد.

نمیخواهیم به تجلیل و مرثیه سرایی بزرگان پس از دست رفتنشان پردازیم، اما نمیتوانیم فراموش کنیم که قتل دگراندیشان و هنرمندان در تاریخ ما سنتی دیرینه و آشنا است؛ از میرزاده عشقی تا سعید سلطانپور، از قتل‌های زنجیره ای محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، داریوش فروهر و پروانه اسکندری تا جنایت عمدی علیه بکتاش آبتین. نظم امور حتی برای جان شناخته شده ترین هنرمندان این سرزمین همچون عباس کیارستمی نیز ارزشی قائل نیست. خواه ناخواه قتل هولناک داریوش مهرجویی و همسرش، وحیده محمدی فر (که به عنوان یک زن قربانی شد) در امتداد این تاریخ دردناک قرار میگیرد.

طبعاً هیچ شفافیتی از سوی بلندگوهای حاکمیت وجود نخواهد داشت، همانطور که در مورد ژینا امینی و آرمتا گراوند شاهد ذره ای شفافیت یا انسانیت نبوده ایم. قتل فجیع داریوش مهرجویی و وحیده محمدیفر بار دیگر خاطر نشان کرد که در وضع موجود امور، هیچ امنیتی، حتی امنیت جانی برای دگراندیشان وجود نخواهد داشت. و اساساً اکثر ما به قدری شهروند به حساب نمیآئیم که جان ما ارزش محافظت کردن داشته باشد، و خسران زندگی ما واجد پیامد یا مسئولیتی برای آمران و مجریان آن باشد.

در این چند روز، برخی شایعات دیگری هراسانه علیه افغانستانها در زمینه این قتل فجیع صورت گرفته که به باور ما نه تنها خیانت به کارنامه هنرمند دغدغه مند است، بلکه از اساس نمیبندد که دقیقاً همین نگاه به ناشهروندان و شهروندان درجه دو، به دیگرها و دگراندیشان منشأ ظهور پدیده ای مانند قتل هنرمندان است.

جامعه هنری و تمام اقشار جامعه ما برای سوگواری این عزیزان، ابتدا باید مسئولیت جمعی خود را به یاد آورد، بار سنگینی که هر چند عادلانه نیست، اما این روزها بر دوش نحیف جوانان، زحمتکشان، زنان، روشنفکران، هنرمندان، دانشجویان و تمام اقشار دغدغه مند قرار گرفته است. در پیچهای پیش رو، صیانت از حیات فکری و مادی اعضای جامعه، و حمایت از تمام زندگیها بی هیچ تبعیض و استثنا، و همبستگی برای احیا و حفظ کرامت انسانی لگدمال شده ی تمام افراد، گروهها، و طبقات تحت ستم، بر عهده خود ما است، و سکوت ما تنها به تشدید این چرخه ی خشونت و مرگ کمک خواهد کرد.

اگر به کمک همدیگر از پس این مسئولیت بر بیاییم، در آینده میتوانیم بگوییم که دین خود را تا حدودی به هنرمندان، دگراندیشان، و تمام جانهای زیبای از دست رفته این روزگار تیره تر از شب ادا کرده ایم.

رضا شهابی، کیوان مهتدی

زندان اوین، مهر 1402